



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No4, 120-144.

The Crisis of Democracy and New Leviathan(Book Review Democracy and Moral Conflict)¹

Behnam Joudi²

Abstract

This article reviews the book Democracy and Moral Conflict Written by Robert B. Talisse. Talisse in the crisis of democracy, which is a Hobbesian natural state, offered the alternative to the standard views of democratic political philosophers who believe that the democracy derived from some decidedly moral commitment. But he argued, there is good reason to think that, under current conditions, these values among citizens are essentially controversial. By contrast, the case for democratic politics which he proposed in this book draws from principles that are epistemic rather than moral and he called it folk epistemology. Talisse is a liberal democratic philosopher, but his method and solution to this crisis is Hobbesian, the separation of ethics and politics. However, he did not propose 'absolute state', but 'dialogical democracy'. Hence, a dialogical democracy requires the state to pursue the cultivation of certain epistemic capabilities among its citizens. Talisse's alternative is Hobbesian: New Leviathan.

Keywords: natural state, crisis, democracy, ethics, politics, folk epistemology, Hobbes.

¹ . Received: 2023/09/29; Accepted: 2023/12/03; Printed: 22/12/2023

² PhD of Political Ideas, Department of political science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, behnamj06@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره چهارم (پیاپی هشتم) زمستان ۱۴۰۲، ۱۲۰-۱۴۴.

بحران دموکراسی و لویاتان جدید (نقد و بررسی کتاب دموکراسی و دعوای اخلاقی)^۱

بهنام جودی^۲
چکیده

در این مقاله به معرفی و ارزیابی کتاب دموکراسی و دعوای اخلاقی نوشته رابرت بی. تلیس می‌پردازیم. تلیس معتقد است در بحران دموکراسی معاصر که نوعی وضع طبیعی هابزی است، به جای دیدگاه‌های معمول فیلسوفان سیاسی که دموکراسی را نشئت گرفته از مجموعه‌ای از تعهدات اخلاقی می‌دانند، شرایط کنونی نشان می‌دهد که شهروندان بر سر همین اصول اجماعی ندارند و این امر منجر به دعوای اخلاقی شده است. از همین رو، تلیس به جای ورود به مباحث اخلاقی، «سیاستی دموکراتیک» را پیشنهاد می‌کند که برگرفته از «اصول معرفتی» - معرفت‌شناسی عامیانه - است. تلیس در سنت لیبرال دموکراسی می‌اندیشد؛ اما روش و پاسخ او به بحران دموکراسی معاصر، متأثر از تامس هابز است. هرچند مانند هابز «دولت مطلقه» را راه‌حل بحران نمی‌داند، بلکه تلیس «دموکراسی گفت‌وگویی» را پیشنهاد می‌کند که در آن دولت موظف به ارتقای معرفتی، نه اخلاقی، شهروندان است که همچنان راه‌حلی هابزی برای وضع طبیعی است. ترجمه فارسی این اثر نیز دارای نکاتی است که به آنها اشاره کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: وضع طبیعی، بحران دموکراسی، اخلاق، سیاست، معرفت‌شناسی عامیانه، هابز.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۲؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۱
۲. دکترای علوم سیاسی، اندیشه سیاسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. behnamj06@gmail.com

مقدمه

امروزه دیگر بحثی از مطلوبیت یا نامطلوبیت دموکراسی در میان نیست؛ زیرا نظریه دموکراسی به ضرس قاطع پذیرفته شده است. لذا، سؤال اصلی در باب گونه و شکل اصیل دموکراسی است (مکنزی و دیگران، ۱۳۷۵، ۱۷۰). درعین حال، همان گونه که دیوید هلد نیز اشاره کرده است، ما با «پارادوکس» درباره دموکراسی مواجه هستیم. این پارادوکس با گسترش دموکراسی در جهان، خود را در پرسش از خود دموکراسی و در نتیجه «بحران مشروعیت» نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر، درعین حال که دموکراسی به مثابه مطلوب‌ترین نظام سیاسی پذیرفته شده و حقوقی مشخص را برای شهروندان به رسمیت شناخته است؛ اما همین «حقوق» یعنی حق پیگیری مدعاها و اهداف «اخلاقی» هر فردی به شکل آزادانه، موجب نوعی تعارض میان شهروندان، گروه‌ها، احزاب و... و در نهایت کشمکش درون نظام‌های دموکراتیک شده است. چنین وضعیتی، نسبت اخلاق و سیاست که نوعی تکثرگرایی را ایجاد و موجب «بحران» و سوق یافتن جوامع دموکراتیک به سمت «وضع طبیعی» شده است، بدون شباهت به «جنگ همه علیه همه» یا «وضعیت جنگی» مدنظر هابز نیست.

به عبارتی دیگر، تقریباً میان اکثر متفکران این توافق وجود دارد که «دموکراسی» نظامی پذیرفته شده است و دانشمندان علوم سیاسی از «اجماع» بر «باور دموکراتیک» به مثابه «پیش شرط کارکردی» دموکراسی سخن می‌گویند. آن گونه که ترنس بل توضیح داده است، در آمریکا و دموکراسی‌های غربی چنین «اجماعی» را به مباحث بعد از جنگ سرد و نظریه‌پردازی مانند دانیل جوزف بورستین که ایده‌هایی غیرفلسفی و ضدایدئولوژیک مطرح می‌کرد، لوئیز هارتز که بحث «اجماع جان لاک» را مطرح کرد و منافع مادی و حقوق مالکیت را در مرکز بحث سیاست غربی قرار داد و ایده «پایان ایدئولوژی» دنیل بل ربط می‌دهند. «تاریخ‌نگاران اجماع»، تاریخ ایالات متحده را همچون داستانی روایت می‌کنند که در آن تضادها- اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیک و طبقاتی- بزرگ جلوه نمی‌کند؛ اما از دهه ۱۹۶۰م تا به امروز، این «اجماع» آمریکایی‌ها بر سر دموکراسی را

دانشجویان و معترضان به جنگ ویتنام، معترضان به تبعیض نژادی، مدافعان حقوق مدنی و حقوق زنان و همجنس‌گرایان و اخیراً مدافعان حقوق حیوانات به چالش کشیده‌اند (Ball, 2010, 1). نمونه‌های شاخص و بارزتری نیز می‌توان مثال زد، برای مثال، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا سال ۲۰۲۰ که به کشاکش خیابانی تا تسخیر کنگره آمریکا منجر شد، یکی از متأخرترین مثال‌هاست که نشانگر بحران دموکراسی - آمریکایی است.

رابرت تلیس در کتاب دموکراسی و دعواهای اخلاقی تلاش کرده است تا راه‌حلی برای «بحران مشروعیت دموکراسی» ارائه دهد؛ اما او به جای مبنایی «اخلاقی»، مبنایی «معرفت‌شناختی» را برای گذار از بحران دموکراسی مدنظر قرار داده است. هرچند او همچنان در میان متفکران «لیبرال» و نظریه‌پردازان «لیبرال‌دموکراسی» قرار می‌گیرد که از جان رالز تأثیر پذیرفته است؛ اما تلاش می‌کند افق گسترده‌تری را ترسیم کند. به عبارتی دیگر، تلیس معتقد است بحران دموکراسی نوعی وضع طبیعی هابزی را شکل می‌دهد، به جای دیدگاه‌های معمول فیلسوفان سیاسی که دموکراسی را «نشئت‌گرفته از مجموعه‌ای از تعهدات اخلاقی نظیر آزادی، استقلال، عزت، اختیار (آزادی فعل و ترک فعل) یا برابری» در نظر می‌گیرند؛ اما شرایط کنونی نشان می‌دهد که بر سر همین اصول میان شهروندان توافقی وجود ندارد و دائم بر سر آن در مناقشه هستند. از همین رو، تلیس به جای ورود به مباحث اخلاقی، «سیاستی دموکراتیک» را پیشنهاد می‌دهد که «برگرفته از اصول معرفتی است.» لذا، از نظر او هر عقیده‌ای که درباره اخلاقیات داریم، چندان مهم نیست، بلکه «باورهای گذشته درباره نحوه فکر و استدلال» ما را به «یک نظم سیاسی دموکراتیک متعهد می‌کند». از همین رو، او هدف خود را «کشف معرفت‌شناسی استفاده‌شده در زندگی روزمره» معرفی می‌کند و مدعای اصلی او این است که «معرفت‌شناسی عامیانه مورد نظر ما تعهد به یک معرفت‌شناسی اجتماعی خاص را شامل می‌شود که نیازمند نظم اجتماعی و سیاسی دموکراتیک است؛ بنابراین، تعهدات معرفتی عمومی ما برای تداوم پایبندی به سیاست دموکراتیک، ضمن داشتن اختلافات عمیق و جدی درباره بنیادی‌ترین تعهدات اخلاقی کافی است.» به‌گونه‌ای که «هنجارهای معرفتی عامیانه در کلیت خود، نوعی تعهد به هنجارهای دموکراتیک را ایجاد

می‌کند؛ یعنی معرفت‌شناسی عامیانه دربرگیرنده تعهد به هنجارهای اصلی دموکراتیک است». لذا «هنجارهای معرفتی عامیانه» فرد را به «جامعه باز» مورد نظر پوپر، «بینش دموکراتیک انسان‌گرا و لیبرال» جان استوارت میل، راسل و جان دیویی «متعهد» می‌کند (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۸-۲۲).

از همین رو، در ادامه تلاش می‌کنیم نخست، به طرح این نکته بپردازیم که «بحران دموکراسی معاصر» چیست؟ سپس، اشاره‌ای مختصر به اندیشه رابرت تلیس می‌کنیم. در بخش بعد، طرحی کلی از کتاب تلیس به مثابه معرفی کتاب ارائه می‌کنیم. دست آخر، در دو بخش به نقد و بررسی شکلی و محتوایی کتاب می‌پردازیم. اطلاعات کتاب‌شناختی اثر مذکور از این قرار است:

- رابرت بی. تلیس، ۱۳۹۹، دموکراسی و دعواهای اخلاقی، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، تهران: انتشارات تیس، ۳۰۰ صفحه.

بحران دموکراسی معاصر

اگرچه نظام‌های دموکراتیک از بدو پیدایش تاکنون با بحران‌ها و چالش‌های پرشماری روبه‌رو بوده‌اند؛ اما آنچه امروزه با عنوان «بحران دموکراسی» از آن یاد می‌شود، نه تهدیدی از «بیرون» بلکه عمدتاً نتیجه تغییر و تحولات «درونی» این جوامع در دهه‌های پایانی سده بیستم و دو دهه آغازین سده بیست‌ویکم است. به عبارت دقیق‌تر این بحران‌ها بیشتر از سنخ مسائل هویتی و ارزشی جوامع پسا صنعتی است تا بحران‌های صرفاً اقتصادی و تهدیدات نظامی (سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۱۴۶).

افزایش کمی و کاهش کیفیت دموکراسی‌ها

بحران «داخلی» دموکراسی با گسترش دموکراسی و نارضایتی از کیفیت دموکراسی نیز مورد بحث قرار گرفته است. دلپرتا می‌نویسد:

«از یک سو، بر اساس برآورد «خانه آزادی»، تعداد کشورهای دموکراتیک در جهان در حال افزایش است؛ این آمار از ۳۹ کشور

دموکراتیک در سال ۱۹۷۴ تا ۸۷ کشور آزاد و دموکراتیک در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. از سوی دیگر، رضایت شهروندان از عملکرد «دموکراسی‌های موجود» در حال کاهش است. حتی برخی محققان معتقدند که موج سوم خطرات دموکراتیک‌سازی باعث توسعه جنگ‌های اقتصادی و درگیری‌های مسلحانه خواهد شد. قطعاً پژوهش انجام‌شده توسط لاری دایاموند و لئوناردو مورلینو درباره کیفیت دموکراسی، کیفیت پایین بسیاری از حکومت‌های دموکراتیک را نشان می‌دهد» (دلپرتا، ۱۳۹۷، ۱۵-۱۶).

کیفیت پایین دموکراسی‌ها موجب شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شهروندی شده است؛ «در تعداد اعتراضات و شمار معترضان در سراسر جهان، به‌ویژه از سال ۲۰۱۰ افزایش قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است. در سطح جهانی، تعداد اعتراضات از ۵۹ مورد در سال ۲۰۰۶ به ۱۱۲ مورد در شش ماه اول ۲۰۱۳ افزایش داشته است. در همین حال شهروندان مشارکت رسمی سیاسی خود را کاهش داده‌اند. به عنوان مثال، مشارکت رأی‌دهندگان در اروپا به‌طور مداوم از متوسط ۸۰ درصد در اواسط دهه ۱۹۸۰ به ۶۱ درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش یافت... حمایت مردم از احزاب سیاسی یک روند مشابه را دنبال کرده است» (واندر استاک و کوردنیلو، ۱۳۹۹، ۱۸).

جهانی‌شدن

جهانی‌شدن نیز یکی دیگر از چالش‌هایی است که منجر به بحران دموکراسی‌ها شده است؛ به‌خصوص ایده دموکراسی جهانی که در حکم چالشی برای دموکراسی‌های مبتنی بر دولت-ملت است. «فراشد تغییرات بنیادی و افول دولت-ملت‌ها مبنای مشروعیت حکومت‌ها را به چالش می‌کشد و لذا در عصر جهانی‌شدن باید موازین و مبادی‌ای وجود داشته باشند که از بحران مشروعیت عبور کنند» (حاجی‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۹). از نظر کاستلز «دموکراسی به دلیل وابستگی‌اش به دولت-ملت‌ها دچار بحران شده است» (کاستلز، ۱۳۸۵، ۴۱۲). هابرماس نیز تأکید دارد که جهانی‌شدن، با تضعیف

تمام ظرفیت‌های دولت-ملت، کلیت دموکراسی‌های موجود را با چالش مواجه کرده است (هابرماس، ۱۳۸۶، ۹).

تعارض تمدنی

می‌توان بحث بحران دموکراسی را از منظری دیگر نیز طرح کرد. بسیاری از نظریه‌پردازان تلاش کرده‌اند تا در سطح تمدنی به توضیح بحران دموکراسی معاصر بپردازند. نمونه برجسته این متفکران، ساموئل هانتینگتون است. او در نظریه برخورد تمدن‌ها به طرح این نظر پرداخته است که «جهان در آستانه تضادی جهانی بین شیوه‌های ناسازگار و متمایز از هم زندگی است». حتی نظریه‌پردازانی مانند بنجامین باربر در کتاب *جهاد در برابر جهان انجیلی* بحث برخورد تمدنی را در سطح فرهنگی تحلیل کرده‌اند و معتقدند برخورد تمدن‌ها یا «جنگ فرهنگی» در داخل آمریکا در جریان است (Ball, 2010, 2).

زوال دموکراسی

برخی بر زوال و نقص دموکراسی تأکید کرده‌اند و معتقدند دموکراسی در انحطاط قرار دارد. به گونه‌ای که شهروندان چنان خطوط و دیوارهایی بین خود کشیده‌اند که بیش از پیش از هم جدا شده‌اند و این کار را برای یافتن «بنیادی مشترک» برای مصالحه مشکل‌تر می‌کند (Ball, 2010, 2).

در نهایت عمده نظریه‌ها به این نتیجه می‌رسند که در دموکراسی معاصر با نوعی سیاست تمایز و ستیزه‌جویی، تقسیم‌بندی «ما و آنها» روبه‌رو هستیم که هیچ‌کدام حاضر به مصالحه با دیگری نیست. در چنین شرایطی است که مسئله «سیاست عمیق»^۱ پدیدار می‌شود. رابرت تلیس نیز جزء همین طیف

^۱ مفهوم «Deep politics» را پروفیسور پیتر ذله اسکات ابداع و برای نخستین بار در کتابش به سال ۱۹۹۳ م استفاده کرد. اصطلاح «سیاست عمیق» رویکردی است اساسی و بنیادی برای فهم بهتر مشروعیت سیاسی در امور سیاسی امروزی. ابداع و کاربست این مفهوم حاکی از گشوده شدن حوزه ای جدید و وسیع در علوم سیاسی می‌دهد. این اصطلاح را در معانی گوناگون به کار گرفته‌اند. عده ای آن را «رویکردی» برای مطالعه قدرت می‌دانند که با اصطلاح «Deep state» ربط پیدا می‌کند: سیاست عمیق منادی «رهایی از شهریار

از متفکران است. مسئله سیاست عمیق همان‌طور که تلیس نیز تأکید کرده است، اصلی‌ترین چالش درونی دموکراسی است که آن را با بحران مشروعیت مواجه می‌کند. تلیس هدف خود در کتاب دموکراسی و دعواهای اخلاقی را «جایگزینی برای جنگ هابزی همه علیه همه، در شرایط تکثرگرایی اخلاقی» معرفی کرده است. وضعیتی که او «سیاست عمیق را به‌مثابه یک مشکل» می‌نامد (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۹ و ۶۳).

معرفی نویسنده کتاب

رابرت بَسیل تَلِیس (Robert Basil Talisse) (۱۹۷۰) فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی آمریکایی دپارتمان فلسفه دانشگاه Vanderbil در شهر نَشویل (Nashville) ایالت تِنِسی (Tennessee) است. او علاوه بر فلسفه، در حوزه علوم سیاسی نیز پژوهش و تدریس می‌کند. تلیس سردبیر و همکار چندین ژورنال است. حوزه تخصصی او فلسفه سیاسی با تأکید بر نظریه دموکراسی و معرفت‌شناسی سیاسی است. علاوه بر این در حوزه‌ها و مسائلی مانند پراگماتیسم، فلسفه تحلیلی، نظریه استدلالی و فلسفه باستان نیز فعال است. کار و پژوهش آکادمیک او بر نظریه دموکراسی متمرکز است. به‌طور ویژه، پژوهش تلیس متمرکز بر این است که چگونه نظم سیاسی دموکراتیک می‌تواند تلاش ما برای کسب معرفت، اشتراک‌گذاری ایده‌ها، فهم اینکه چه چیزی ارزشمند است و همچنین رسیدگی به اختلاف‌های ما را سهل‌تر یا پیچیده‌تر کند. از همین رو، درباره گفتار عمومی، نادانی سیاسی عوام،

ماکیاویلی است.» این رویکرد بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است، هرچند سابقه آن را تا جمهوری رُم به عقب بازمی‌گردانند و آن را منحصر به تداول آن در آمریکای سده بیست و یکم نمی‌دانند. از همین رو، این مفهوم برای جامعه مدنی در هر کشوری از اهمیت بالایی برخوردار است و این خطر را گوشزد می‌کند که اگر وضعیت سیاست عمیق مدیریت نشود می‌تواند منجر به نابودی دموکراسی شود. (Conscience Sociale, 2014) برخی نیز آن را اینگونه تعریف کرده‌اند: «سیاست عمیق بینشی از افراد انسانی، جوامع و محیط‌های انسانی ارایه می‌دهد و با قدرت تلاش می‌کند تا نظمی هماهنگ میان آن‌ها برقرار کند. سیاست عمیق ایده آل‌های رضایت انسان و اجتماع را ایجاد می‌کند که با اقدامات عملی جامعه عمل می‌پوشند.» (Mohamed, 2018)

قطبی شدن دسته‌ای و حزبی و اخلاق شهروندی به طرح پرسش و پژوهش پرداخته است.^۱

تالیس در منظومه فکری خود از چندین اصطلاح و مفهوم مانند پراگماتیسم، دموکراسی، لیبرال دموکراسی، کثرت‌گرایی، پلورالیسم معرفتی و... استفاده می‌کند که عمده آنها را با رویکردی انتقادی به کار می‌گیرد. برای مثال، وی از پراگماتیسم استفاده‌های دوگانه می‌کند؛ به این معنی که ضمن استفاده از پراگماتیسم به نقد پراگماتیست‌هایی مانند جان دیویی و ریچارد رورتی می‌پردازد. از سوی دیگر، گرایش فکری او به سمت اندیشه جان رالز است و مباحث خود را با توجه به نظریه دموکراسی رالز و با رویکردی انتقادی و فرارونده از آن طرح کرده است که او را تبدیل به مدافع نوعی از دموکراسی مشورتی کرده است که ذیل آن بحث «معرفت‌شناسی عامیانه» را برای ارتقای دموکراسی و گذار از آنچه «بحران دموکراسی معاصر» نامیده‌اند، دنبال کرده است. در همین راستا، او حدود ۱۴ کتاب و بیش از ۱۰۰ مقاله منتشر کرده است. از میان کتاب‌های او سه جلد تاکنون به فارسی ترجمه و منتشر شده است. یکی از آثار او دو بار به فارسی ترجمه شده است:

- تالیس، رابرت بی. ۱۳۹۰، *دموکراسی پس از لیبرالیسم (پراگماتیسم و سیاست مشارکتی)*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور بناب، انتشارات طرح نو.
- تالیس، رابرت بی. ۱۳۹۵، *دموکراسی پس از لیبرالیسم: عمل‌گرایی و سیاست مشورتی*، مترجم: فرانز میرزازاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- تالیس، رابرت بی. ۱۳۹۹، *دموکراسی و دعوای اخلاقی*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، انتشارات تیسا.
- تالیس، رابرت بی و اسکات اف. ایکین، ۱۴۰۰، *عمل باوری*، مترجم حسین گلشاهی، انتشارات علمی فرهنگی.

^۱ برای اطلاعات دقیق‌تر بنگرید به

معرفی کتاب

تلیس در کتاب دموکراسی و دعواهای اخلاقی مدعی است در وضعیتی که «دموکراسی گرفتار بحران است» و این را همه، اعم از نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران و کنشگران تصدیق می‌کنند به جای گرفتارشدن در وضعیت «جنگ همه علیه همه» می‌توان از آن خارج شد. «دموکراسی به خاطر تفرقه یا ازهم‌گسیختگی اخلاقی سنت، از درون در حال شکست خوردن است... به نظر من جدی‌ترین بحران داخلی پیش‌روی ما به عنوان دموکرات‌ها [بحران] اخلاقی نیست؛ هرچند خود را در دعواهای اخلاقی نشان می‌دهد». نویسنده ضمن تصدیق بحران دموکراسی، بحران را نه اخلاقی بلکه «معرفتی و شناختی» می‌داند (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۵-۲۵). بر همین اساس، تلیس بحث خود را در پنج فصل تدوین کرده است.

فصل نخست با عنوان «مسئله سیاست عمیق» تلاشی است برای نشان‌دادن وضعیت موجود دموکراسی در جهان معاصر، در میان «شرایط تکثرگرایی اخلاقی» که همان بحران درونی دموکراسی است که منجر به وضع طبیعی هابزی می‌شود. تلیس با اشاره به بحث آلبرت هیرشمن، بحران مذکور را وضعی می‌داند که سه گزینه را پیش‌رو می‌گذارد: خارج‌شدن، بیان‌کردن و وفاداری (تلیس، ۱۳۹۹، ۶۱-۶۹). تلیس در فصل دوم با عنوان «علیه سیاست حذف» تلاش می‌کند تا «مشکل سیاست عمیق» را به واسطه بررسی پاسخ‌هایی برجسته کند که متفکران معاصر مطرح کرده‌اند و همه آنها را ناکافی ارزیابی می‌کند؛ چون بر بنیادی اخلاقی استوار هستند و در نهایت منجر به سیاست حذف (گروه‌های رقیب) و «خروج خشونت‌بار» از دموکراسی می‌شوند (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۲۲-۱۲۳). در فصل سوم تحت عنوان «معرفت‌شناسی عامیانه» تلیس بحث اصلی خود را آغاز می‌کند و معتقد است «موجه‌سازی سیاست دموکراتیک» نباید از «پیش‌فرض‌های اخلاقی آغاز شود»، بلکه باید از چیزی آغاز شود که او آن را «معرفت‌شناسی عامیانه» می‌نامد که به شدت ابزاری است و «در کوچه و خیابان کاربرد دارد». ویژگی این نوع معرفت‌شناسی، ناقص‌بودن و ادعای کل‌نگر و جهانشمول نداشتن است (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۲۸-۱۳۸).

نویسنده در فصل چهارم تحت عنوان «موجه سازی دموکراسی» ضمن اینکه استدلال خود را «شهودی» می‌داند، معتقد است «تنها در یک دموکراسی است که فردی می‌تواند عامل معرفتی واقعی باشد ... دموکراسی التزام سیاسی و در واقع، تجلی سیاسی، پایبندی‌های معرفتی عامیانه هرکدام از ماست که پیش‌تر آنها را تأیید کرده‌ایم». از نظر تلیس، این استدلال به این معناست که او راه‌حلی برای مسئله سیاست عمیق ارائه کرده است؛ چون وقتی «معرفت‌شناسی عامیانه دموکراسی را موجه‌سازی می‌کند، در آن صورت شهروندان می‌توانند با وجود اختلاف در اعتقادات مذهبی و اخلاقی‌شان دلیلی برای پایبندی به ترتیبات سیاسی دموکراتیک داشته باشند» (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۸۹-۱۹۰). در نتیجه، «معرفت‌شناسی عامیانه برداشت خاصی از دموکراسی را جا می‌اندازد، چیزی که دموکراسی گفت‌وگویی» نامیده می‌شود. تلیس معتقد است «دموکراسی گفت‌وگویی به نوبه خود ایجاب می‌کند که سیاست حذف را به نفع سیاست تعامل رد کنیم» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۳۷). در فصل پنجم با عنوان «کمال باوری معرفتی»، تلیس دلایلی در دفاع از این ایده ارائه می‌کند که «یک جامعه دموکراتیک از نظر گفت‌وگو، نیازمند یک وضعیت کمال‌گرا از نظر معرفتی است» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۳۹). نویسنده در خلال مباحث خود به این نکته اشاره می‌کند که «دعوت برای تأمل و مشورت عمومی یا تعامل مدنی دُمکرات‌های تأملی و مشارکتی کافی نیست» بلکه «نظام معرفتی اجتماعی که خوب کار می‌کند و به دموکراسی گفت‌وگویی وابسته است، نیازمند حفظ و نگهداری است؛ به‌ویژه دموکراسی گفت‌وگویی نیازمند آن است که هدف مکان‌های تأمل عمومی باید دعوت به پیشروی یا ارتقای نوعی توانایی‌های معرفتی لازم برای روش‌های تعامل مطرح شده باشد. دیدگاه معرفتی عامیانه دموکراسی دربرگیرنده تعهد به یک دولت کمال‌گرا از حیث معرفتی است» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۵۹-۲۶۰). باید توجه داشت که دولت مورد نظر این نوع از کمال‌گرایی، بایستی «خیر و مصلحت معرفتی» را ارتقا بدهد «نه اخلاقی را»؛ یعنی کمال‌گرایی معرفتی از دولت می‌خواهد «یک خیر معرفتی را ارتقا دهد که با واقعیت تکثرگرایی معقول مرتبط با تعهدات اخلاقی فراگیر در تراحم نباشد» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۶۲-۲۶۳). از همین رو، تلیس و نظریه سیاسی او «بی‌تردید لیبرال است» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۸۱).

نقد و بررسی شکلی کتاب

کتاب *دموکراسی و دعواهای اخلاقی* نوشته رابرت بی. تلیس را نخستین بار به زبان انگلیسی و تحت عنوان *DEMOCRACY AND MORAL CONFLICT* انتشارات دانشگاه کمبریج در ۲۰۵ صفحه منتشر کرده است. نسخه انگلیسی کتاب شامل پیشگفتار ناشر، مقدمه، سپاسگزاری، پنج فصل، کتاب‌شناسی و نمایه است. ترجمه فارسی این کتاب را انتشارات نیسا بهار ۱۳۹۹ تحت عنوان *دموکراسی و دعواهای اخلاقی* با ترجمه عسگر قهرمان‌پور در قطع رقعی و جلد شومیز منتشر کرده است. ترجمه فارسی ۳۰۰ صفحه و در ۳۰۰ نسخه منتشر شده است. نکته قابل ذکر در ترجمه فارسی این است که سپاسگزاری دو صفحه‌ای نسخه انگلیسی حذف شده است و پیشگفتار ناشر هم که با عنوان «دموکراسی و دعواهای اخلاقی» آمده است، در ترجمه فارسی تبدیل به «پیشگفتار» شده است که می‌توانست با عنوان «پیشگفتار ناشر» آورده شود. همچنین، نمایه در ترجمه فارسی کتاب حذف شده است. در ترجمه فارسی همان تصویر روی جلد نسخه انگلیسی، تصویر معترضان در مقابل کاخ سفید که پلاکاردهایی را حمل می‌کنند، حفظ شده و فقط عنوان از انگلیسی به فارسی تغییر کرده است. همان پیشگفتار ناشر در جلد پشتی کتاب و به‌مثابه معرفی بحث کتاب و نویسنده آمده است. کتاب فاقد مقدمه مترجم است که می‌توانست بحث و موضوع کتاب و همچنین نویسنده را معرفی و درباره برخی اصطلاحات و ترجمه آنها توضیح بدهد که گویا این کار را لازم ندیده است. «پانویشت»‌ها نیز در ترجمه فارسی به «پی‌نوشت»‌های آخر فصل‌ها تبدیل شده‌اند.

درباره ترجمه کتاب نیز می‌توان گفت که مترجم متنی روان و قابل فهم را تحویل مخاطب داده است و مشکل چندانی در خواندن و فهم کتاب برای مخاطب پیش نمی‌آید. هرچند می‌توان به برخی نکات همچون معادل‌های فارسی و ترجمه برخی جملات و اغلاط املاپی و ویرایشی اشاره کرد که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم.

We find ourselves ensconced in political contexts in which it seems that there is more at stake than the satisfaction of desire or the getting of what we want;

این گونه ترجمه کرده است: «ما به شرایط سیاسی خو گرفته و خوش کرده‌ایم و خطر این امر بیشتر از به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم». جملات چندان مفهوم نیستند به خصوص «خوش کرده‌ایم». ترجمه پیشنهادی: «ما خودمان را در اوضاع و شرایطی سیاسی می‌یابیم که به نظر می‌رسد بیشتر در مخاطره‌ایم تا اینکه به رضایت خاطر یا به آنچه می‌خواهیم دست یافته باشیم».

۲. صفحه ۲۹، مترجم آورده است «این کتاب می‌خواهد جایگزینی برای جنگ هابزی همه علیه همه، در شرایط تکثرگرایی اخلاقی ارائه دهد». می‌دانیم که چیزی به نام «جنگ هابزی» نداریم، بلکه هابز «وضع طبیعی» - پیشااجتماع سیاسی یا در نبود اجتماع سیاسی - را «وضعیت جنگی» یا «جنگ همه علیه همه» توصیف می‌کند. بهتر بود به جای عبارت «a Hobbesian war of all against all»، مترجم جمله را این گونه ترجمه می‌کرد: «... وضعیت جنگ همه علیه همه که هابز توصیف کرده است...».

۳. صفحه ۴۰ آمده است: «راهپیمایی نازی‌ها باید با مجوز لازم انجام شود... باید منضبط باشند، عابران را تهدید نکنند، اموال را تخریب کنند و الی آخر». گویا عبارت «اموال را تخریب کنند» بایستی «اموال را تخریب نکنند» باشد.

۴. صفحه ۴۷ جمله «هرچند دموکراسی ممکن نیست به شهروندان تضمین دهد»، «ممکن نیست» معادل «cannot» آمده است. می‌توان این گونه نوشت: «هرچند دموکراسی نمی‌تواند به شهروندان تضمین دهد».

۵. صفحه ۵۷ عنوان کتابی که نویسنده نام برده است «موضوع کانزاس چی بود؟» ترجمه شده است. بهتر بود ترجمه می‌شد: مسئله کانزاس چه بود؟

۶. صفحه ۶۰ «... مدارس عمومی، خرده‌کسب‌وکار و همسایگان‌شان». بهتر بود «خرده‌کسب‌وکار» جمع آورده می‌شد: «خرده‌کسب‌وکارها» یا «کسب‌وکارهای خُرد».
۷. صفحه ۶۰ اشتباه تایپی: «به عبارت دیگر»، «به بارت دیگر» نوشته شده است.
۸. صفحه ۶۷ پاراگراف یکی مانده به آخر، در جمله پایانی پاراگراف «.» جا افتاده است.
۹. صفحه ۷۴، جمله‌ای سؤالی مطرح شده و سپس پاسخ آن آورده شده است، اما مترجم به جای علامت سؤال از «؛» استفاده کرده است. پاسخ را نیز این‌گونه ترجمه کرده است: «لذا این پاسخ مرسوم سنتی که ما وفاداری خود به دموکراسی را از آن رو حفظ می‌کنیم که بدون خونریزی امکان سیاست‌ورزی را برای ما فراهم می‌کند». - تا اینجا جمله فوق با «.» پایان می‌یابد و ناقص است. مترجم دنباله جمله را از سطر اول پاراگراف بعد آورده است «در جهانی که در آن افراد معتقدند باید به هر قیمتی آرای اخلاقی خود را پیگیری کنند، بسیار شکننده و ضعیف می‌شود» در متن انگلیسی، این‌گونه آمده است:

The traditional answer, according to which each of us has reason to retain our loyalty to democracy because democracy allows for politics without bloodshed, is increasingly fragile in a world in which individuals hold that their respective moral visions must be pursued at any cost.

این چند خط جملات ساده‌ای هستند و می‌توان این‌گونه ترجمه کرد: «پاسخ سنتی، مبنی بر اینکه هرکدام از ما دلیلی برای حفظ وفاداری به دموکراسی دارد چون دموکراسی امکان سیاست بدون خونریزی را فراهم می‌کند، این پاسخ، در جهانی که افراد بر این عقیده‌اند که تصورات اخلاقی‌شان را بایستی به هر قیمتی که شده دنبال کنند، بسیار ضعیف و نارساست».

۱۰. صفحه ۷۵ مترجم آورده است که «هرچند در این فصل منتقد رویکرد رالزی خواهم بود، اما در فصل چهار فرصت خواهم داشت که بینش‌های بسیار مهم در دیدگاه رالز را که می‌دانم، مورد استفاده قرار دهم». در متن انگلیسی آمده است:

Although in the present chapter we will be critical of the Rawlsian approach, we will have occasion in Chapter 4 to identify and adopt what I take to be crucial insights of Rawls's view.

ترجمه پیشنهادی: «هرچند در این فصل به نقد رویکرد رالزی خواهیم پرداخت، اما در فصل چهار این فرصت را خواهیم داشت تا آنچه را که در دیدگاه رالز بینش‌هایی مهم و اساسی می‌دانیم، مطرح و به کار ببندیم».

۱۱. صفحه ۷۸ این‌گونه آمده است: «یعنی نظم سیاسی لیبرال برای ارائه فهم خود از مشروعیت سیاسی و باید بتواند خود را با عباراتی توجیه کند که رضایت همه آنهاپی را جلب کند که انتظار می‌رود تحت اقتدار این نظم زندگی کنند». ترجمه چندان مفهوم نیست. در متن انگلیسی آمده است:

That is, in order to meet its own conception of political legitimacy, the liberal political order must be able to justify itself in terms that can command the assent of all who are expected to live under its authority.

ترجمه پیشنهادی: «به این معنا، سامان سیاسی لیبرال، برای برآورده کردن تصویری که از مشروعیت سیاسی دارد، باید قادر باشد خودش را به گونه‌ای توجیه کند تا بتواند رضایت همه آنهاپی را جلب کند که انتظار دارد تحت اقتدارش زندگی کنند».

۱۲. صفحه ۸۷ آمده است «دموکرات‌های رادیکالی... معتقدند، خرد جمعی از تعیین حدود و ثغور عبارات مناسب سیاسی آغاز می‌کند و این یعنی اینکه تلویحاً وضع موجود را ترجیح می‌دهد که حتی در دموکراسی‌های لیبرال معاصر آن را مصداق عدالت دانست». در متن انگلیسی آمده است:

Radical democrats, ..., argue that since public reason proceeds from a strict delineation of a “proper” political vocabulary, it implicitly privileges the status quo, which, even in contemporary liberal democracies, is hardly the image of justice.

ترجمه پیشنهادی: «دموکرات‌های رادیکال، ...، مدعی‌اند چون خرد جمعی از توصیف دقیق واژگان «خاص» سیاسی آغاز می‌کند، پس به‌طور ضمنی وضع موجود را نیز ترجیح می‌دهد، که، حتی در لیبرال دموکراسی‌های معاصر، سخت بتوان چنین چیزی را نماد عدالت دانست».

۱۳. صفحه ۸۸، برای *fateful* معادل «بسیار مهم مهم» آمده است. به نظر می‌رسد معادل‌هایی مانند «بسیار مهم»، «سرنوشت‌ساز» یا «حیاتی» بسنده باشند.
۱۴. صفحه ۸۹ «ایراز تأسف» به اشتباه «ایزار تأسف» آمده است.

۱۵. صفحه ۱۱۸ «... این است که عملی‌کردن به گفتمان عمومی...» به نظر می‌رسد «عمل‌کردن» درست باشد.

۱۶. صفحه ۱۲۴ آمده است: «در فصل ۳ این معرفت‌شناسی عامیانه را ظاهر کرده‌ام». جمله چندان فارسی نیست. گویا مترجم «ظاهر کرده‌ام» را ترجمه «*I shall make ... explicit*» آورده است. «صریح و روشن بیان خواهم کرد» ترجمه مناسب‌تری است.

۱۷. صفحه ۱۶۸ آمده است «اینکه کسی به‌طور مرتب از فضای دیالکتیکی که ممکن است دلایلش در این فضا ارزیابی شود، فرار می‌کند، نشان‌دهنده نگرانی ناکافی از حقیقت باورهایش است». در متن انگلیسی آمده است:

Someone who routinely refuses to enter his reasons into the dialectical space in which they may be evaluated betrays an insufficient concern for the truth of his beliefs.

جمله «نشان‌دهنده نگرانی ناکافی از حقیقت باورهایش است» مفهوم به نظر نمی‌رسد. ترجمه پیشنهادی: «کسی که مرتب از در معرض نقد و ارزیابی قرار گرفتن دلایل یا استدلال‌هایش در فضای دیالکتیکال طفره می‌رود، به حقیقت باورهایش اهمیت و توجه کافی نشان نمی‌دهد».

۱۸. صفحه ۱۹۵ آمده است «موجه‌سازی معرفتی عامیانه هرکدام از ما یک به یک را مورد توجه قرار می‌دهد». به نظر می‌رسد اگر جمله را این‌گونه بنویسیم درست‌تر باشد: «موجه‌سازی معرفتی عامیانه هرکدام از ما را یک به یک مورد توجه قرار می‌دهد».

۱۹. صفحه ۲۲۲ آمده است «به موجه‌سازی قائم به ذات ظرفیت افراد به عنوان شهروندان یک سامان سیاسی لیبرال‌دموکراتیک توجه کند». ترجمه چندان مفهوم نیست. ترجمه پیشنهادی: «موجه‌سازی قائم به ذات، افراد را در جایگاه آنها به‌مثابه شهروندان نظام سیاسی لیبرال‌دموکراتیک مورد خطاب قرار می‌دهد».

۲۰. صفحه ۲۳۶ آمده است: «به‌طور حتم، نیازهای بیشتری باید درباره سیاست تعامل گفته شود». در متن انگلیسی آمده است:

To be sure, more needs to be said about the politics of engagement.

همان‌طور که می‌بینیم جمله بسیار ساده است. ترجمه پیشنهادی: «بی‌شک، بایستی درباره سیاست تعامل بیشتر سخن بگوییم».

موارد نیازمند به ویرایش در متن کم نیست که ما از برشمردن آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

برخی ملاحظات انتقادی

تلیس مدعی است تلاش دارد تا به روش جان دیویی در آنچه «فلسفه عامیانه یا عمومی» نامیده می‌شود شرکت کند. به این معنا که «دوست دارم ادعا و تحلیل فلسفی جدی را به‌گونه‌ای بیان کنم که برای خواننده غیردانشگاهی هم ملموس و قابل فهم باشد» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۵). او قبول می‌کند که چنین روشی با خطر «ساده‌سازی» مفاهیم و ایده‌های فلسفی مواجه است؛ اما صرفاً به تصدیق چنین «خطری» بسنده می‌کند و هیچ توجیهی ارائه نمی‌دهد. از سوی دیگر، می‌نویسد: «شیوه نگارش من طوری است گاه مستقیماً خواننده را مخاطب قرار می‌دهد. شاید این روش به نظر عجیب و غریب باشد، اما صرفاً یک سبک نگارش نیست، بلکه استراتژی روش‌شناختی است که در سرتاسر متن آن را به کار برده‌ام که امیدوارم به آن توجه کنید؛ ولو‌گذرا یا به خاطر نحوه استدلال» (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۹). باید به این نکته توجه داشت که مخاطب قراردادن مستقیم خواننده را صرفاً نمی‌توان «استراتژی روش‌شناختی» در نظر گرفت که تلاش دارد مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد، بلکه نوعی «استراتژی استدلالی» است که از مخاطب می‌خواهد به «تجارب شخصی» خودش مراجعه کند تا صحت استدلال‌های گوینده یا نویسنده را ارزیابی کرده و بپذیرد. این استراتژی استدلالی، تجربه مخاطب را اثبات مدعای خود می‌داند، نه اقامه برهان را.

بازگشت به هابز

تلیس بحث خود را با الگوبرداری از روش، استدلال، آسیب‌شناسی و راه‌حل‌های هابزی ارائه می‌دهد که در ادامه به برخی وجوه آن اشاره می‌کنیم.

روش استدلال هابزی

روش تلیس و حتی مدعای او برای از دور خارج کردن دعوای اخلاقی از حوزه عمومی برای پایان دادن به وضع طبیعی، ما را به یاد لویاتان هابزی می‌اندازد. هابزی نیز در روش استدلالی خود و برای اثبات مدعیاتش در مقدمه لویاتان مخاطب را با عبارت «خودت را بشناس» به این نکته ارجاع می‌دهد که هرکسی با «درون‌نگری» می‌تواند ببیند که انگیزه‌ها، ترس‌ها و امیدها در همه انسان‌ها شبیه به هم است. در نتیجه، با اینکه همه این امیال موضوعاتی متفاوت دارند، اما در میان همه انسان‌ها مشترک هستند. هابزی اثبات مدعیاتش را به همین اشتراکات ارجاع می‌دهد (Hobbes, 1985, "Introduction"). جالب توجه است که هابزی مبتنی بر دیدگاهی جهانشمول و بی‌زمان از ماهیت انسان و امیالی که دارد سخن می‌گوید، تلیس هم مدعی است که «اپیستمولوژی عامیانه» که مدنظر دارد «محلی» و در «اهالی کوچک و بازار» «مشترک» است، اما معرفت‌شناسی عامیانه را نباید محلی در نظر گرفت بلکه طرح‌واره‌ای جهانشمول می‌تواند باشد که مصداق از دیدگاه کلی «روشنگری» است (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۸۴-۱۸۵). پس روش استدلالی تلیس دست‌کم هابزی است که اثبات مدعیاتش را به تجربه مخاطبان، وضع طبیعی یا جنگ داخلی، حواله می‌دهد، در عین حال که مدعای خود را بی‌زمان و جهانشمول می‌داند.

آسیب‌شناسی: بحران امنیت یا وضع طبیعی

طرح بحث، شناسایی بحران و حتی راه‌حلی که تلیس برای «دعوای اخلاقی» در حوزه عمومی ارائه می‌کند نیز هابزی است. هابزی «بحران» زمانه‌اش را همان‌گونه که اسپریگنز گفته است، «بحران اقتدار» می‌دید (اسپریگنز، ۱۳۹۲، ۵۹). این بحران اقتدار ناشی از «مواضع مطلق» فرقه‌های مذهبی در انگلستان بود که منجر به جنگ داخلی شده بود. هابزی جنگ داخلی را از «وضع طبیعی» قیاس می‌گیرد. برای هابزی، حس بحران یا فقدان امنیت، اساسی‌تر از عمل جنگیدن و ناامنی است؛ چراکه در این وضعیت هیچ «آرامشی» در کار نیست. در چنین وضعیتی، عملاً هیچ کاری

اعم از تجارت، کشت و زرع، تجارت دریایی، دانش و علم، تاریخ‌نگاری، هنر و ادبیات و... قابلیت تحقق ندارد. در نتیجه، تجربه بحران برای هابز نه صرفاً جنگ واقعی بلکه حس بحران و فقدان امنیت است؛ چراکه افق انتظار برآمده از این فضای تجربه، همواره به سوی وقوع جنگ گشوده است و هیچ عملی که در صلح و آرامش انجام می‌شود، در این وضعیت بحران، امکان‌پذیر نیست. هابز تأکید دارد که تنها «قدرتی مشترک» می‌تواند این وضعیت را پایان دهد (Hobbes, 1985, 186-188). تلیس نیز دعوای اخلاقی را «سیاست عمیق به‌مثابه یک مشکل» (تلیس، ۱۳۹۹، ۶۳) معرفی می‌کند که به «سیاست حذف» منجر می‌شود و اگر این مشکل منجر به خروج خشونت‌بار از «سیاست» و «دموکراسی» شود، در نهایت همان «وضع طبیعی» که هابز تصویر کرده است شکل می‌دهد که «مشروعیت» دموکراسی را با بحران مواجه کرده است.

راه‌حل بحران دموکراسی: لویاتان جدید

راه‌حل هابز برای خروج از وضعیتی که در آن مدعیان «دعوای اخلاقی و مذهبی»، با مواضعی مطلق، تن به «مصلحه» نداده و موجب جنگ داخلی شده‌اند جدایی «اخلاق» از «سیاست» بود.^۱ همان‌طور که کارل اشمیت و راینهارت کوزلک توضیح داده‌اند، راه‌حل هابز این بود که برای پرهیز از دعوای اخلاقی، در حوزه عمومی که حوزه سیاست است، نمی‌توان مدعیات اخلاقی-دینی داشت و این حاکم است که در مقام داور نهایی حکم می‌کند شهروندان به چه چیزی باور داشته باشند؛ اما در حوزه خصوصی به حکم «آزادی وجدان» می‌توانند هر اعتقادی داشته باشند و حوزه خصوصی همان «حوزه اخلاق» و «وجدان» است؛ در نتیجه، دعوای اخلاقی در حوزه عمومی پایان می‌پذیرد و بحران تمام می‌شود (ب. ک. اشمیت، ۱۳۹۷ و Koselleck, 1988).

^۱ بنگرید به مقاله جودی، بهنام، توسلی رکن‌آبادی، مجید، (۱۳۹۹)، «روشنگری و توتالیترانیسم: نقد کتاب *Critique and Crisis: Enlightenment and the Pathogenesis of Modern Society* (نقد و بحران: روشنگری و آسیب‌زایی جامعه مدرن)»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره بیست، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۹۹، صص ۱۱۵-۱۳۶

راه‌حل تلیس برای دعوای اخلاقی و سیاست حذف شباهت‌هایی با راه‌حل هابز دارد. گفتیم که تلیس خود را لیبرال‌دموکرات می‌نامد و در سنت لیبرالی نظریه‌پردازی می‌کند. تاریخ‌نگاران اندیشه و نظریه‌پردازان معاصر بر ریشه‌های هابزی لیبرالیسم در وجه عام و لیبرال‌دموکراسی در وجه خاص تأکید کرده‌اند؛ مانند لئو اشتراوس، کارل اشمیت و راینهارت کوزلک. آنها عمدتاً تفکیک حوزه عمومی و خصوصی و جدایی اخلاق و سیاست را به دست هابز مورد بحث قرار داده‌اند. به‌گونه‌ای که بیرون راندن افراد خصوصی از حوزه عمومی یا قلمرو دولت مطلقه، منجر به این شد که آنها از حوزه خصوصی و با دآوری‌های اخلاقی به نقد سیاست پرداخته و وارد قلمرو دولت مطلقه شده و مشروعیت آن را با چالش مواجه کنند. در نتیجه، افراد خصوصی (غیردولتی) در حوزه عمومی اقدام به مشروط کردن قدرت به قانون و برپایی لیبرال‌دموکراسی کردند. از همین رو، لیبرال‌دموکراسی ریشه‌هایی هابزی دارد. تلیس با تفاوت‌هایی همان راه هابز را ادامه می‌دهد و به لیبرال‌دموکراسی می‌رسد. تفاوت نخست این است که از خلق حاکمی مطلق پرهیز می‌کند و دوم، در دعوای اخلاقی، حاکم را داور نهایی قرار نمی‌دهد. تلیس مبنای بحث فلسفه سیاسی را از حوزه اخلاق به معرفت‌شناسی منتقل می‌کند و به جای مبنای اخلاقی سیاست و تفکیک حوزه خصوصی و عمومی فکر می‌کند که اگر در حوزه عمومی به جای مبنای اخلاقی که منجر به مواضع «مطلق» و «دعوای اخلاقی» می‌شود، رویکردی معرفت‌شناختی اتخاذ کنیم مبنی بر اینکه «مدعیات همه صادق» است، تلاش کنیم به جای قبولاندن مدعیاتمان، به «دموکراسی» متعهد شویم و همگی در سیاست دموکراتیک «مشارکت» کنیم و «دولت» از این موضع حمایت کند، بحران دعوای اخلاقی حل شود.

به عبارتی دیگر، تلیس مانند هابز به شناسایی بحرانی می‌پردازد که پیش‌رو دارد، بحران هابز جنگ داخلی به واسطه مواضع مطلق فرقه‌های مذهبی بود که در نهایت اقتدار سیاسی را متزلزل کرده بود. هابز چنین وضعی را وضع طبیعی یا جنگی می‌نامد. از نظر او، با تفکیک میان اخلاق و سیاست -جدایی حوزه خصوصی و عمومی- می‌توان این بحران را از بین برد. تلیس نیز بحران زمانه‌اش را تکثر ادعای اخلاقی -دینی و سکولار- به‌ویژه در جامعه آمریکا

می‌داند که منجر به شکل‌گیری وضعی طبیعی شده است که هرکسی به واسطه آزادی عقیده تلاش دارد در موضعی مطلق مدعیات اخلاقی خود را به کرسی بنشاند و هیچ‌کدام از طرفین تن به مصالحه نمی‌دهند. چنین وضعیتی در صورت حذف یکی از طرفین از سیاست، منجر به خشونت و بروز وضع طبیعی یا جنگی می‌شود که هابز تصویر کرده بود. تلیس با نقد فلسفه‌های سیاسی موجود از رالز تا هابرماس هرگونه مبنای اخلاقی برای سیاست را ناگزیر منجر به سیاست حذف می‌داند. «الگوی رالز با شکست مواجه می‌شود؛ چراکه محدودیت‌هایی بر گفتمان عمومی اعمال می‌کند که ممکن نیست به طرز کافی انگیزه ایجاد کند» (تلیس، ۱۳۹۹، ۱۹۹). «استدلال هابرماس {نیز} دایره‌وار است: این استدلال دموکراسی را فقط برای آنهایی موجه‌سازی می‌کند که از قبل عضویت در اجتماع گفتمانی دموکراتیک را پذیرفته‌اند. از منظر معرفتی عامیانه، موضع هابرماس از جای اشتباهی شروع می‌شود» (تلیس، ۱۳۹۹، ۲۰۲). از همین رو، با اتخاذ موضعی معرفت‌شناختی، مبنی بر درست‌انگاشتن مدعیات همه طرف‌ها، موضع اخلاقی خودمان را در معرض داوری همگان قرار دهیم و به جای پافشاری بر آن موضع مطلق، تلاش کنیم از طریق گفت‌وگو به پراکتیس سیاست دموکراتیک پردازیم و دولت نیز از این سیاست حمایت کند. وظیفه دولت برخلاف لویاتان هابز داوری عمومی نیست، بلکه در نظر تلیس دولت این بار باید شرایط را به گونه‌ای آماده کند، شامل آزادی بیان و گردش اطلاعات و بیان همه اعتراضات، تا شهروندان به لحاظ معرفتی تقویت و تبدیل به کنشگران معرفتی شوند نه کنشگران اخلاقی. در این صورت، بحران موجود حل یا منحل خواهد شد. لذا، لویاتان جدید که تلیس خلق می‌کند، به جای تعیین مصداقی اعتقاد شهروندان در حوزه عمومی باید معرفت‌شناسی آنها را شکل دهد تا از هرگونه مطلق‌انگاری و درگیری‌های خشونت‌بار اخلاقی پرهیز و به سیاست دموکراتیک پایبند بمانند.

نتیجه‌گیری

کتاب تلیس با دقت تمام و نظمی منطقی به نگارش درآمده است و هر فصل به خوبی از عهده مدعیات مطرح‌شده برآمده است؛ هرچند می‌توان

نکاتی شکلی و نظری را ذکر کرد. از لحاظ شکلی، نخست اینکه گویا پیش از انتشار کتاب، تلیس هر فصل را جداگانه در قالب مقالاتی مستقل منتشر کرده است، بهتر بود که مقالات وقتی تبدیل به فصول این کتاب می‌شدند بازبینی بیشتری می‌شدند و تلخیص صورت می‌گرفت. به گونه‌ای که ما با تکرار و اطناب مطالب در بعضی از فصل‌ها مواجه هستیم. در برخی از فصل‌ها نیز عملاً به جای طرح مدعا با دیدگاهی سلبی مواجه هستیم که به نقد نظریه‌های دیگر می‌پردازد تا اینکه به طرح مدعا پردازد. اما کلیت اثر تلیس دارای نظم مطلوب بوده و نظم فصل‌ها نیز در راستای استدلال او تدوین شده است.

از لحاظ نظری، کتاب رابرت تلیس در آن دسته از نظریه‌های سیاسی جای می‌گیرد که معتقدند حوزه عمومی حوزه سیاست و سیاست‌ورزی است و مدعیات مطلق هنجاری مانند اخلاقی و دینی در حوزه عمومی نتیجه‌ای جز کشمکش، بحران و بحران مشروعیت دموکراسی در پی ندارد. در طیف نظریه‌پردازان مدرن، نخستین بار هابز بود که به چنین نظری رسید و راه‌حل را در خلق *لویاتان* دید. بسیاری از نظریه‌پردازان به‌ویژه کارل اشمیت ادعا کرده‌اند که ریشه لیبرال دموکراسی در نظرات هابز قرار دارد. تلیس را نیز باید در دنباله همین سنت دید که تلاش دارد تا مواضع مطلق و سازش‌ناپذیر اخلاقی و دینی را خنثی کند. می‌توان کتاب تلیس را در سنت لیبرال دموکراسی ارزیابی کرد که تمرکزی فوق‌العاده، به جای محدود کردن دولت، بر جامعه مدنی و مشارکت شهروندان در سیاست دموکراتیک دارد. او با طرح نوعی دموکراسی «گفت‌وگویی» که آن را از دموکراسی هابرماسی متمایز می‌کند، مبنای سیاست جدید را برای پرهیز از هرگونه حذف و خروج خشونت‌بار، معرفت‌شناختی معرفی می‌کند. راه‌حل تلیس برای بحران دموکراسی معاصر را با اقتدای او به هابز می‌تواند لویاتانی جدید در نظر گرفته شود که دولت را ملزم به تقویت معرفت‌شناسی و پلورالیسم برای پرهیز از مطلقه‌گرایی می‌داند.

منابع

۱. اسپرینگز، توماس، (۱۳۹۲)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، نشر آگه

۲. اشمیت، کارل (۱۳۹۷)، **لویاتان در نظریه دولت تامس هابز معنا و شکست یک نماد سیاسی**، ترجمه شروین مقیمی زنجانی، تهران، پگاه روزگار نو
۳. تلیس، رابرت. بی (۱۳۹۹)، **دموکراسی و دعوای اخلاقی**، ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران، انتشارات تپسا
۴. دلاپرتا، دوناتلا (۱۳۹۸)، **می‌توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه سعید کشاورزی و علی روحانی، تهران، نشر ثالث.
۵. مکزی، یان و دیگران، (۱۳۷۵)، **مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی**، ترجمه م قائد، تهران، نشر مرکز
۶. حاجی‌زاده، جلال (۱۳۹۰)، **بازخوانی آرای انتقادی و بحران‌های فراروی دموکراسی، غرب‌شناسی بنیادی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول.
۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، **عصر اطلاعات: پایان هزاره**، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۸. هابرماس، یورگن (۱۳۸۶)، **جهانی‌شدن و آینده دموکراسی**، ترجمه احمد شمس‌ا، تهران، روزنه.
۹. واندر استاک، سام و راثول کوردنیلو (۱۳۹۹)، **احزاب سیاسی، جامعه مدنی و جنبش‌های شهروندی در اروپا و آسیا: آینده دموکراسی**، ترجمه مهدی مقدری، تهران، نگاه معاصر
۱۰. سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۶)، **بررسی مقایسه‌ای بحران دموکراسی و تأثیر آن بر رفتار سیاسی شهروندان در دموکراسی‌های سه‌گانه اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن، پژوهش حقوق و سیاست**، سال نهم، شماره ۲۳.

English

11. Ball, Terence(2010), **Democracy and Moral Conflict**, Arizona State University .10.07

<https://ndpr.nd.edu/reviews/democracy-and-moral-conflict/>

12. Hobbes, Thomas (1985), **Leviathan**, CB. Macpherson (ed.). London, Penguin Classics
13. Koselleck, Reinhart, 1988, **Critique and crisis, Enlightenment and the pathogenesis of modern society**, The MIT press
14. Mohamed, Feisal G., Deep Politics / Shallow Politics
<https://yalereview.org/article/deep-politics-shallow-politics>
15. Robert B. Talisse (2009), **Democracy and Moral Conflict**, Cambridge University Press
16. <http://consciencessociale.blogspot.com/search?q=deep+politis>